



Media model of NAJA favorable presence in social networks

*Ali Mohammad Fatemi Yeganeh*¹

*Mohammadreza Saeed Abadi*²

*Akbar Nasrollahi Kasmani*³

*Mohsen Esmaeili*⁴

Type of article: Research article extracted from doctoral dissertation



Received: 2021.8.29

Accepted: 2021.12.11

Abstract

doi: 20,1001,1,25381946./SSJ.2022,98244

The main use of social networks is to facilitate communication and interaction between people, which has led to the extraordinary and unimaginable expansion of communication in today's world; But the fact is that this useful tool, along with various benefits, also provides opportunities for profiteers, fraudsters and cybercriminals and even some social networks - willingly or unwillingly - have created a platform for crime. The Disciplinary Command of the Islamic Republic of Iran, as the main organization responsible for establishing and promoting order, security and social order in the country, according to its popular approach and preventive view of threats and injuries, considers itself responsible in the social media environment as well. Your real mission, While informing and warning about the anomalies facing the people, to deal with the criminals of this space and prevent the occurrence of social harms in these networks; Therefore, it is necessary for the police to understand the structure of these networks and how they interact, and in order to adopt the best strategy, this organization must be armed with the latest methods of analysis to participate in social networks. Therefore, formulating and presenting a favorable model for police presence in the context of social networks and adopting appropriate approaches in the new situation is of great importance and the main purpose of this study is to provide a media model of NAJA desirable presence in social networks. The method of this research is mixed and using the Analytic Hierarchy Process (AHP) method and in the field and using a questionnaire and statistical population of 35 senior managers and cultural experts in the field of media and people related to social networks and missions. NAJA have enough knowledge and experience, it has been done. Thus, using the applied strategies of the police of selected countries from social networks and taking advantage of the views of experts and senior managers in the field of social networks and the needs of the Disciplinary Command of the Islamic Republic of Iran, eight components are selected as the main strategies. NAJA was suggested on social media .These include: Maximizing the use of new communication technologies, recognizing the community through social networks, education and culture, informing and presenting the desired image of NAJA, attracting social participation, counseling and prevention of social harms, perception and perception management and quality control of services to People.

1. PhD Student in Media Management, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), Ali.fatemmi@ut.ac.ir

2. Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran, Sabadi@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Media Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, Akbar.nasrollahi@gmail.com

4. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran, esmaeili1344@ut.ac.ir

الگوی رسانه‌ای حضور مطلوب ناجا در شبکه‌های اجتماعی

علی محمد فاطمی یگانه^۱

محمد رضا سعید آبادی^۲

اکبر نصرالهی کاسمانی^۳

محسن اسماعیلی^۴

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۷



فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال ششم، شماره ۴ (پیاپی ۲۲) - زمستان ۱۴۰۰ - ۸۸-۵۷

doi: 20,1001,1,25381946./SSJ.2022,98244

چکیده

کاربرد اصلی شبکه‌های اجتماعی تسهیل ارتباطات و تعاملات بین افراد است که منجر به گسترش خارق‌العاده و غیرقابل تصور ارتباطات در دنیای امروز شده‌اند؛ اما واقعیت این است که این ابزار مفید، هم‌زمان با مزایای مختلف، فرصت‌های سوئی را نیز در اختیار سودجویان، کلاهبرداران و مجرمان سایبری قرار داده‌است و حتی برخی از شبکه‌های اجتماعی - خواسته یا ناخواسته - بستری مناسب را برای ارتکاب جرم ایجاد کرده‌اند. ناجا به‌عنوان سازمان اصلی مسئول استقرار و ارتقای نظم، امنیت و انتظام اجتماعی کشور، با توجه به رویکرد مردمی خود و دیدگاه پیشگیرانه نسبت به تهدیدها و آسیب‌ها، خود را موظف می‌داند که در محیط شبکه‌های اجتماعی نیز همچون محیط مأموریتی واقعی خود، ضمن اطلاع‌رسانی و هشداردهی در خصوص ناهنجاری‌های پیش روی مردم، نسبت به مقابله و برخورد با مجرمان این فضا و پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی در این شبکه‌ها اقدام نماید؛ از این رو، ضروری است که ساختار این شبکه‌ها و نحوه تعامل آنها از سوی پلیس درک شود و به‌منظور اتخاذ بهترین راهبرد، این سازمان باید به آخرین روش‌های تجزیه و تحلیل برای حضور در شبکه‌های اجتماعی مسلح گردد. از این رو، تدوین و ارائه الگوی مطلوب برای حضور پلیس در بستر شبکه‌های اجتماعی و اتخاذ رویکردهای مناسب در شرایط جدید، از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد و هدف اصلی پژوهش حاضر نیز ارائه الگوی رسانه‌ای حضور مطلوب ناجا در شبکه‌های اجتماعی است. روش این پژوهش آمیخته است و با بهره‌گیری از روش فرآیند سلسله‌مراتب تحلیلی (AHP^۵) و به‌صورت میدانی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و جامعه آماری به تعداد 35 نفر از مدیران ارشد و کارشناسان فرهنگی مسلط به حوزه رسانه و افرادی که

۱. دانشجوی دکترای مدیریت رسانه، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Ali.fatemi@ut.ac.ir
۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران، Sabadi@ut.ac.ir
۳. استادیار گروه مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، Akbar.nasrollahi@gmail.com
۴. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران، esmaeili1344@ut.ac.ir

5. Analytical Hierarchy Process

نسبت به شبکه‌های اجتماعی و مأموریت‌های ناجا شناخت و تجربه کافی دارند، انجام پذیرفته است. بدین ترتیب، با استفاده از راهبردهای کاربردی پلیس کشورهای منتخب از شبکه‌های اجتماعی و بهره‌گیری از نقطه‌نظرات کارشناسان و مدیران ارشد حوزه شبکه‌های اجتماعی و نیازهای ناجا، هشت مؤلفه (بهره‌برداری حداکثری از فناوری‌های نوین ارتباطی، شناخت جامعه از طریق شبکه‌های اجتماعی، آموزش و فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و ارائه تصویر مطلوب از ناجا، جلب مشارکت اجتماعی، مشاوره و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مدیریت ادراک و برداشت و کنترل کیفیت خدمات‌رسانی به مردم) به‌عنوان راهبردهای اصلی انتخاب و پس از تحلیل نهایی، الگوی رسانه‌ای حضور مطلوب ناجا در شبکه‌های اجتماعی پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی: ناجا، رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، روش تحلیل سلسله‌مراتبی، پلیس

مقدمه

در جهان متغیر و پیچیده امروز، موفقیت هر سازمان، در گرو ترسیم مسیر راهبردی و پیروی از راهبردهای منطبق با شرایط و مقتضیات زمان در راستای اهداف و سیاست‌های کلان آن سازمان است. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و بخصوص نسل دوم فناوری وب، موجب شده است تا تعاملات مردم به محیط مجازی انتقال یابد و بسیاری از کارکردهای فیزیکی به مجازی تبدیل گردد. وب ۲ به استفاده از اینترنت (وب گسترده جهانی www) اشاره دارد که محتوا را ایجاد، اشتراک‌گذاری و در میان کاربران اینترنت تسهیم می‌کند.

به‌طور خاص، وب ۲ سکوی رایانشی فنی برای تکامل رسانه‌های اجتماعی است؛ چراکه به محتوا و برنامه‌های کاربردی برخط (مانند بلاگ‌ها و ویکی‌ها) اجازه می‌دهد تا توسط همه کاربران به‌صورت مشارکتی تر و همکارانه‌تر تغییر یابند (ون لوی، ۱۳۹۴). وب ۲ از وب ۱ پیروی می‌کند. در مقایسه با وب ۲، وب ۱ اجازه می‌دهد که محتوا و برنامه‌های کاربردی برخط (مانند صفحه وب شخصی، یک دایره‌المعارف برخط یا روزنامه) ایجاد شده و توسط افراد به‌صورت غیرمستقیم منتشر شوند.

وب ۱ در اوایل دهه ۹۰ آغاز شد؛ یعنی با تولد رسمی اینترنت (تجاری) که برای عموم قابل دسترسی و بنابراین، آغاز عمر اطلاعات بود. این یعنی اینترنت در آغاز محدود به فراهم کردن اطلاعات به‌صورت ارتباط یک طرفه (و احتمالاً با بازخوردی توسط ایمیل و یا نامه پستی) برای وب ۱ بود، در صورتی که وب ۲ را می‌توان به‌عنوان نسل دوم اینترنت در دهه اول ۲۰۰۰ با ارتباط چند طرفه ملاحظه کرد (امی ون لوی، ۱۳۹۴). اکنون، صحبت درباره وب ۳ و وب ۴ به‌عنوان روش‌های آینده

استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی آغاز گردیده‌است. در این اصطلاحات، اینترنت به تکامل از یک وب "فقط خواندنی" یا ایستا(وب ۱) روی یک وب "خواندنی - نوشتی" یا مشارکتی(وب ۲) به یک وب "خواندن - نوشتن - اجرا" یا وب معنایی(وب ۳) و یک وب "خواندن - نوشتن - اجرا - هم‌زمانی" یا هم‌زیست(وب ۴) ادامه می‌یابد.

مرکز آمار ایران با هدف شناخت فعالیت‌ها و رفتارهای فرهنگی خانوار و استفاده از آن در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کشور اقدام به طرح آمارگیری از فرهنگ رفتاری خانواده‌های ایران کرده‌است. این آمارگیری در سال ۹۹ برای سنین بالای ۱۵ سال صورت گرفته و اطلاعات مرتبط با حوزه کتاب، موسیقی، شبکه‌های اجتماعی، فعالیت‌های ورزشی و ... اخذ شده‌است. گزارش این مرکز نشان می‌دهد که در سال گذشته، بیش از ۶۵ درصد از افراد ۱۵ ساله و بیشتر، حداقل در یک شبکه اجتماعی عضو بوده‌اند. این آمار از افزایش ۱۲ درصدی کاربران شبکه‌های اجتماعی حکایت دارد. گسترش نفوذ گوشی‌های هوشمند طی سال‌های گذشته به‌ویژه تأثیر کرونا بر دورکاری و آموزش مجازی، در ثبت این آمار نقش داشته بسیاری داشته‌است. اطلاعات تازه مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که شیب عضویت در شبکه‌های اجتماعی صعودی است؛ چنان‌که طبق آمار رسمی، میزان عضویت ایرانی‌ها در شبکه‌های اجتماعی از نرخ رشد ۲۲ درصدی برخوردار شده‌است. با افزایش علاقه ایرانی‌ها به شبکه‌های اجتماعی، میزان عضویت ایرانی‌ها از ۵۳ درصد در اواسط دهه ۹۰ به ۶۵ درصد رسیده‌است. معنی این ارقام آن است که ۵۵ میلیون ایرانی، حداقل در یکی از شبکه‌های اجتماعی عضو هستند.

در حوزه مأموریت‌های پلیس، شبکه‌های اجتماعی از دو جهت حائز اهمیت می‌باشند؛ اول اینکه، بسیاری از جرایم در بستر فضای جدید شبکه‌ها رخ می‌دهد و دوم اینکه، تعامل با کاربران در این حوزه برای پلیس به‌شدت موردنیاز و ضروری است؛ چراکه این فضا به محلی برای فعالیت مجرمان حرفه‌ای و مبدأ انواع جرایم جدید و پیچیده تبدیل شده‌است؛ بنابراین، حوزه اجتماعی در حیطه مأموریت‌های ناجا - چه به‌صورت مجزا و مستقل و چه در پیوند با دیگر حوزه‌های مأموریتی - از اهمیت بالایی برخوردار است.

ناجا به‌عنوان سازمان مسئول استقرار و ارتقای نظم، امنیت و انتظام اجتماعی کشور، با توجه به رویکرد مردمی خود و دیدگاه پیشگیرانه نسبت به تهدیدها و آسیب‌ها، نمی‌تواند نسبت به تحولات محیط داخلی، پیرامونی و جهانی بی‌اعتنا باشد؛ بنابراین، لازم است که همواره در راستای اهداف کلان سازمانی، راهبردها و رویه‌های موجود را بازبینی و روزآمد سازد و در شبکه‌های اجتماعی

همچون محیط مأموریتی واقعی خود، ضمن اطلاع‌رسانی و هشداردهی در خصوص ناهنجاری‌های پیش روی مردم، نسبت به مقابله و برخورد با مجرمان این فضا و پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی در این شبکه‌ها اقدام نماید؛ از این رو، ضروری است که ساختار این شبکه‌ها و نحوه تعامل آنها از سوی پلیس درک شود و به‌منظور اتخاذ بهترین راهبرد، این سازمان باید به آخرین روش‌های تجزیه و تحلیل برای حضور در شبکه‌های اجتماعی گردد. بنابراین، تدوین و ارائه الگوی مطلوب برای حضور پلیس در بستر شبکه‌های اجتماعی و اتخاذ رویکردهای مناسب در شرایط جدید، از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد و تحقیق حاضر با هدف نیل به این مهم به نگارش درآمده است.

روش تحقیق

روش تحقیق استفاده‌شده در این پژوهش، از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی است. قلمروی مکانی این تحقیق، مجموعه ناجا و قلمرو موضوعی آن، حضور مطلوب ناجا در شبکه‌های اجتماعی است. در این پژوهش، ابتدا با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و بررسی راهبردهای کشورهای با سابقه در این زمینه، فعالیت‌های ناجا در شبکه‌های اجتماعی مشخص و سپس با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و اخذ نقطه‌نظرات خبرگان، مدیران ارشد و کارشناسان حوزه شبکه‌های اجتماعی، فعالیت‌های ناجا در شبکه‌های اجتماعی مشخص و با طراحی پرسش‌نامه و اعمال نظرات اخذشده، راهبردهای اصلی جهت ترسیم الگوی نهایی حضور مطلوب ناجا در شبکه‌های اجتماعی حاصل گردید.

جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران ارشد، اساتید و کارشناسان مربوط از مجموعه‌های ناجا، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین، دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه صداوسیما و دانشجویان دکتری مدیریت رسانه می‌باشد که دارای ویژگی‌های مشترک شناخت فضای مجازی، فناوری‌های نوین و فرصت‌ها و تهدیدهای آنها و همچنین، آشنا با مأموریت‌های پلیس و جرایم سایبری می‌باشند که به‌صورت هدفمند و با استفاده از روش گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند.

با عنایت به حجم نمونه این پژوهش (۳۵ نفر)، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) برای نمونه‌گیری استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله صورت گرفته است: ۱. بررسی میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای راهبردهای کشورهای با سابقه در این زمینه (شامل انگلستان، آلمان و آمریکا و نیز کشورهای چین و کره جنوبی)؛ ۲. اخذ نقطه‌نظرات مدیران ارشد و کارشناسان حوزه شبکه‌های اجتماعی؛ ۳. مقایسه زوجی راهبردها از طریق نرم‌افزار Expert Choice و تحلیل و اولویت‌بندی

فعالیت‌های ناجا در شبکه‌های اجتماعی. در انتها با توجه به راهبردهای به‌دست آمده، الگوی نهایی بهره‌مندی ناجا از شبکه‌های اجتماعی ارائه گردید.

ادبیات نظری تحقیق

الگو: معرف بسیار ساده از واقعیتی بسیار پیچیده است که برای توصیف و شرح روابط میان متغیرها و حتی گاه تعیین چگونگی وقوع یک رخداد به‌کار می‌رود. در تعریفی دیگر، الگوها کاربرد تسهیل شده و مینیاتوری مفاهیم جهت مخاطب قراردادن مسائل است. الگوها می‌توانند به‌صورت خنثی و به روش توصیفی یا به‌صورت هنجار بنیاد برای بیان ترجیحات درباره یک یا چند قضاوت ارزشی به‌کار روند (دشمن‌گیر و همکاران، ۲۰۱۷: ۸۱-۶۸).

راهبرد: واژه استراتژی^۲ که معادل فارسی آن، راهبرد است، از واژه یونانی Strategos به‌معنای ژنرال ارتش گرفته شده است. تعاریف استراتژی در مفاهیم مدیریتی متنوع است اما عناصر کلیدی آن ثابت است: اول، شناسایی توانایی‌ها و ضعف‌های خود و رقیب (دشمن) و دوم، کسب مزیت رقابتی پایدار (وجه تمایز و برتری).

شبکه‌های اجتماعی: اصطلاح شبکه‌های اجتماعی^۳ را برای نخستین بار جان آرونندل بارنس^۴ که در حوزه انسان‌شناسی اجتماعی فعالیت می‌کرد، در سال ۱۹۵۴ ابداع کرد و از آن پس، به‌سرعت به شیوه‌ای کلیدی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت. در نظریه شبکه اجتماعی سنتی، شبکه اجتماعی، یک مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی شامل مردم و سازمان‌ها است که به‌وسیله مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصل‌اند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط همچون دوستی‌ها و روابط چهره به چهره متمرکز است (معمار و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۷). به‌طور کلی، اهداف شبکه‌های اجتماعی عبارتند از: سازماندهی انواع گروه‌های اجتماعی مجازی، توسعه مشارکت‌های اجتماعی، به اشتراک گذاشتن علاقه‌مندی‌ها توسط اعضا، ایجاد محتوا توسط اعضا و تبلیغات هدفمند اینترنتی (Alan E. Mislove, 2009).

رسانه اجتماعی: رسانه اجتماعی^۵ عنوانی است که در سال‌های اخیر به مجموعه سایت‌ها و ابزارهایی اطلاق می‌شود که در فضای ایجادشده به‌وسیله رسانه‌های نوین از قبیل شبکه‌های

1. Pattern
2. Strategy
3. Social Networks
4. John Arvandel Barnes
5. social Media

ارتباطی، اینترنت و تلفن‌های همراه، متولد شده و رشد پیدا کرده‌اند. این رسانه‌های جدید ویژگی‌های ارتباطی متفاوتی با رسانه‌های سنتی یا قدیمی‌تر دارند؛ از این رو، گاهی در مقابل رسانه‌های قدیمی‌تر از جمله تلویزیون، رادیو، کتاب و مطبوعات، برای رسانه‌های دنیای مجازی از عبارت "رسانه‌های اجتماعی" استفاده می‌شود.

انواع رسانه‌های اجتماعی را می‌توان در هفت گروه شامل شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها^۱، ویکی‌ها^۲، پادکست‌ها^۳، فروم‌ها^۴، انجمن‌های محتوایی^۵ و میکروبلگ‌ها^۶ دسته‌بندی کرد (پورشافعی، ۱۳۹۱: ۵۰-۴۶). شبکه‌های اجتماعی برخط، ایمیل، پیام کوتاه، وبسایت‌های مخصوص به اشتراک گذاری عکس و ویدئو و ثبت نظریات در اینترنت، ابزاری به شمار می‌آیند که به آشنایی و ارتباط مردم با یکدیگر کمک می‌کنند. لینکدین^۷ یکی از شبکه اجتماعی مجازی مطرح دنیای مجازی است. این شبکه اجتماعی مجازی به کاربران در مدیریت و برقراری ارتباطات برخط حرفه‌ای و تجاری کمک می‌کند. رسانه‌های اجتماعی به تنوع ارتباطات افزوده شده‌اند. تأثیرگذارترین شرکت‌های مرتبط با رسانه‌های اجتماعی عبارتند از چهار نهاد که در کنترل چهار شرکت هستند: فیس‌بوک^۸ (سهامی عام)، توئیتر^۹ (سهامی عام)، یوتیوب^{۱۰} (تحت تملک گوگل) و آیفون (تحت تملک اپل). این عوامل در تضاد با حالت‌هایی قرار دارند که در دهه ۱۹۷۰ به اخبار مرتبط با تلویزیون توجه داشتند.

شبکه‌های اجتماعی مجازی: شبکه‌های اجتماعی مجازی زیرمجموعه رسانه‌های اجتماعی به شمار می‌روند. یک شبکه اجتماعی مجازی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منافع خود را با آنها به اشتراک بگذارند و یا میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید جستجو کنند (عدلی پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۰). شبکه‌های اجتماعی مجازی اغلب دارای ۵ ویژگی بارز هستند که عبارت است از مشارکت^{۱۱}،

-
1. Weblogs
 2. Wikis
 3. Podcasts
 4. Forums
 5. Content Communities
 6. Microblogs
 7. LinkedIn
 8. Facebook
 9. twitter
 10. You Tube
 11. Participation

گشودگی^۱، محاوره^۲، اجتماعی بودن و فراگیری^۳. همچنین، این شبکه‌ها دارای کارکردهایی از جمله انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، عبور از مرزهای جغرافیایی، شکل‌گیری و تقویت خرد جمعی، بیان نظریه‌ها به صورت آزادانه، کارکرد تبلیغی و محتوایی، تبلیغ و توسعه ارزش‌های جهان‌شمول، یکپارچه‌سازی و توسعه مشارکت‌های اجتماعی در زمینه آموزش هستند.

پیشینه تحقیق

الف. پیشینه داخلی

یاسمی نژاد (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "فضای مجازی، امنیت اجتماعی، راهبردها و استراتژی‌ها" به این نتیجه رسید که توسعه فناوری‌های جدید و به دنبال آن انقلاب ارتباطات و اطلاعات، موجب شده است تا در صحنه جهانی تغییرهای بزرگی به وجود آید. در میان این فناوری‌های جدید، اینترنت توانسته است به عنوان ابزاری قدرتمند در عرصه اطلاع‌رسانی مطرح شود.

حامدی نسب (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان "آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی و راه کارهای پلیس"، بیان نموده است که شبکه‌های اجتماعی به دلیل قالب بودن فضای گپ و گفتگو و از طرف دیگر، ریشه‌دار بودن فرهنگ گفتمانی در کشور ما توانسته‌اند بیش از سایر رسانه‌های مجازی، مورد توجه قرار گیرند و استفاده از آنها رو به افزایش است.

اسدی فرد و پورنقدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "ارتباط شبکه‌های اجتماعی مجازی با نظم و امنیت و هنجارهای جامعه" بر این باورند که با توجه به هزینه‌های زیاد فیلترینگ در کشور و شکسته شدن سد دسترسی آن توسط ۸۰ درصد از کاربران، فرهنگ‌سازی در خصوص کاربری اینترنت و اخلاق مجازی و مخاطرات سایبر نتیجه‌ای مطلوب‌تر از فیلترینگ در پی خواهد داشت.

سماواتیان (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان "ارائه راهکارهای ارتقای امنیت اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی" پنج عنصر فرهنگ، آموزش، تقویت باورهای دینی، نقش رسانه و بومی‌سازی قوانین را موجب ارتقای امنیت شبکه‌های اجتماعی مجازی دانسته است و استمرار ارزش‌ها و نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه و تداوم آن را باعث کاهش انحرافات و تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی می‌داند.

اصحاب حبیب زاده (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان "رسانه‌های اجتماعی و امنیت عمومی" عنوان

1. Openness
2. Dialogue
3. Learning

می‌کند که ویژگی‌های تعاملی بودن، نبود محدودیت زمانی و مکانی در رسانه‌های اجتماعی نیز به‌عنوان یک رویکرد فرصت‌ساز می‌تواند عامل موثر و مفیدی در ارتقای امنیت عمومی مطرح شود. رحیمی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی" نتیجه گرفته‌اند که گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی بین جوانان شهر تهران متوسط رو به بالاست. جوانانی که در شبکه‌های اجتماعی مجازی عضویت دارند و استفاده صحیحی از این فضا نمی‌کنند، بیشتر در معرض گرایش به ناهنجاری‌های اخلاقی قرار دارند.

مرتضی شیروودی و محمد سجاد شیروودی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "نقش مجازی ناجا در شکل‌دهی و تداوم بخشی به جامعه اسلامی ایران" عنوان می‌کنند که ناجا به‌مثابه یک بازیگر فعال، با درک فضای مجازی، در چارچوب هنجارهای انقلابی، انتظار مقام‌معمظم رهبری را در نقش و جایگاهی که به آن سپرده شده‌است، برآورده می‌سازد.

علی جوکار و عبدالله وثوقی نیروی (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان "طراحی الگوی پاسخ‌گویی اجتماعی پلیس" تدوین منشور شهروندی سازمانی، تصمیم‌گیری‌های مشارکتی با حضور مردم، توجه به نقش رسانه‌ها و سبک رهبری خدمتگزار و فرهنگ سازمانی مشوق پاسخ‌گویی اجتماعی را از راهکارهای تقویت پاسخ‌گویی اجتماعی در سازمان‌های پلیسی مطرح نمودند.

ب) پیشینه خارجی

بیتچ^۱ (۲۰۰۸) در تحقیق خود با عنوان "اینترنت و جرایم جنسی کودک/ بررسی جرم شناختی"، سوءاستفاده جنسی از کودکان در فضای مجازی را از نگرانی‌های عمده سازمان‌های عدالت کیفری می‌داند. وی کاربران این حوزه را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ۱. کنجکاوان؛ ۲. کاربرانی که برای مصارف بازرگانی و تبلیغاتی از این تصاویر استفاده می‌کنند؛ ۳. پورنوگرافی کودکان؛ ۴. برای دلایل غیر جنسی مانند سود مالی. نویسنده یکی از مشکلات پلیس و ادارات جنایی در مواجهه با فعالیت این افراد را در تعریف تصاویر و چگونگی دسته‌بندی سوءاستفاده‌کنندگان از آنها بر اساس معیارهای بالا عنوان می‌کند.

پولیت^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان "بررسی جنبه‌های قانونی حفاظت از افراد زیر سن قانونی در فضای مجازی" به بیان ویژگی‌های کاربران مذکور می‌پردازد و مخاطرات ناهنجاری که به علت سن کم این افراد روی خواهد داد را بررسی می‌نماید. در این تحقیق، همچنین، رویکردهای قانونی

1. Bitch
2. Pullet

مربوط به حفاظت از این کاربران مورد مذاقه قرار می‌گیرد و امکاناتی که حفاظت از این کودکان را امکان‌پذیر می‌کند (مانند تحلیل کدهای رفتاری، خطوط راهنمایی و برچسب‌ها) را پیشنهاد می‌کند. اسلونج، اسمیت و فریشن^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی که نتایج آن در مقاله‌ای با عنوان "ماهیت تهدیدات اینترنتی و راهبردهای پیش‌گیری" منتشر شده‌است، امنیت در فضای مجازی را یکی از تهدیدات مهم در بین جوانان می‌داند. تحقیق مذکور منتج از بررسی و مصاحبه عمیق با تعدادی از دانش‌آموزان سوئدی در سنین ۱۳ تا ۱۵ سال می‌باشد. در این مصاحبه، مهم‌ترین تهدیدهای آنها در فضای سایبر، ارسال پیامک‌های تهدیدآمیز، تهدید به خشونت فیزیکی، سوءاستفاده جنسی، سوءاستفاده از عکس‌های شخصی و تهدید به قتل می‌باشد. در مکان‌هایی که نظارت والدین کمتر است (مثل وبسایت‌ها و اتاق‌های گفتگو) این مسئله نمود بیشتری دارد و زمانی که این دانش‌آموزان از تلفن‌های همراه استفاده می‌کنند، نظارت به حداقل ممکن می‌رسد. نتایج نشان می‌دهد که هرچقدر دانش‌آموزان از این سنین فاصله می‌گیرند، تهدیدات کاهش می‌یابد و اگر این نوجوانان در فضای مجازی ناشناخته بمانند، جسارت بیشتری در فعالیت‌های مخاطره‌آمیز خواهند داشت. در نهایت، محقق بیان می‌کند که با توجه به تغییرات مداوم تهدیدات سایبری، استانداردهای پیش‌گیری در این زمینه باید به صورت مکرر بازبینی شود.

شیدر^۲ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان "بررسی شبکه‌های اجتماعی پلیس جامعه‌محور" با استفاده از داده‌های پیمایشی دوازده شهر آمریکا در خصوص تأثیر تصور شهروندان از پلیس جامعه‌محور در فضای مجازی بر کاهش جرم اقدام نموده‌است.

هین سوگ، سونگ و کیم^۳ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان "آیا زورگویی و مزاحمت سایبری جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد"، با استعانت از نظریه فشار، به بررسی تهدیدهای خانواده‌های کشور کره جنوبی در فضای مجازی می‌پردازد. آنها مهم‌ترین تهدیدها در این زمینه را سوءاستفاده اینترنتی و پورنوگرافی عنوان می‌کنند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین تهدیدهای سایبری و افزایش سکتته‌های قلبی در بین خانواده‌های کره‌ای ارتباط وجود دارد؛ زیرا مخاطرات این حوزه فشارهای منفی زیادی در بین خانواده‌ها ایجاد کرده‌است. دامنه تهدیدات سایبری در مدارس نیز باعث افزایش اضطراب بین دانش‌آموزان گردیده‌است. محققان در بررسی ۳۲۳۸ دانش‌آموز کره‌ای عواملی را که باعث آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در این حوزه گردیده‌است را فشار والدین، قربانی شدن

1. Slonje, Smith & Frisén
2. Shider
3. Hyunseok, Song & Kim

توسط قربانیان قبلی، فشارهای مالی، ارتباط با همسالان متخلف، ضعف در خود کنترلی، جنسیت و درآمد ماهیانه بیان می‌کنند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین قربانی شدن و سن، رابطه معنی داری وجود دارد. هرچقدر این دانش‌آموزان از سنین جوانی و نوجوانی فاصله می‌گیرند، کمتر در معرض تهدید هستند و برخلاف تصور عموم، دانش‌آموزان پسر نسبت به دختران بیشتر در معرض خطر هستند. و در نهایت، پیشنهاد می‌شود که معلمان و والدین اطلاعات سایبری خود را افزایش دهند.

جینفر^۱ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان "منابع اینترنتی برای جوانان و خانواده‌های آنان" جرایم در فضای مجازی را یک چالش جهانی برای کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها عنوان می‌کند که عواقب آن می‌تواند به از فرار از مدرسه تا خودکشی بیانجامد. این تحقیق تمرکز بر اطلاعاتی دارد که به‌عنوان منابع آموزشی اینترنتی باید در اختیار والدین، جوانان، مربیان و متخصصان قرار گیرد.

ماردی^۲ (۲۰۱۶) در تحقیقی که نتایج آن با عنوان "چشم‌انداز جرایم سایبری و پاسخ پلیس به آن" منتشر شده‌است، معتقد است که سرعت و پیچیدگی جرایم سایبری باعث شده‌است که پلیس به تنهایی قادر به مبارزه با آن نباشد و نیازمند همراهی صنعت و دانشگاه‌ها در این موضوع است. جرمیک^۳ (۲۰۱۶) در مقاله خود با عنوان "تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روی روابط تحقیقاتی علمی پلیس" بیان نموده‌است که بهره‌وری بالای شبکه‌های اجتماعی در هدایت هدفمند شیوه زندگی کاربران از طریق ایجاد و توسعه قابل توجه شبکه‌های اجتماعی موثر است.

کریستین بی. ویلیامز و همکاران^۴ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان "استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای رسیدن به یک برنامه پلیس اجتماعی" نشان می‌دهند که پلیس از رسانه‌های اجتماعی به‌طور تعاملی استفاده می‌کند و این امر در طول زمان می‌تواند اهداف پلیس را در جامعه ارتقا دهد.

نگرف و ولنتی^۵ (۲۰۱۸) در تحقیق خود با عنوان "ویژگی‌های ساختاری شبکه‌های اجتماعی آنلاین و رفتار پرخطر جنسی"، به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی آنلاین (فیسبوک) جوانانی را که دارای خطرپذیری بیشتری هستند، در معرض خطر قرار داده‌است. ردیابی شبکه دوستان جامعه پژوهش ۴۵۴ نفره تحقیق که در گروه سنی ۱۳-۹ انجام شده‌است، نشان داده‌است که بیشتر

1. Ramona & Alaggia

2. MurrDy

3. Germik

4. Christine B. Williams, Jane Fedorowicz, Andrea Kavanaugh, Kevin Mentzer, Jason Bennett Thatcher & Jennifer Xu

5. Negriff & Valente

افراد این گروه‌ها دارای سوابق بزه کاری، فعالیت‌های جنسی و بزه کاری همسالان هستند. واشنی، شپیپرا و مونجال^۱ (۲۰۲۰) در تحقیق "آگاهی از جرایم سایبری و اقدامات متقابل بر ضد آن" معتقدند که با استفاده از روش‌هایی مانند منحنی رمزنگاری بیضوی، امنیت مسیریاب و الگوریتم‌های رمزنگاری می‌توان به بررسی جرایم پورنوگرافی سایبری و جرایم رایانه‌ای در فضای مجازی پرداخت. همچنین، آنها نقش اقتصاد و قوانین داخلی هر کشوری را در کنترل این نوع جرایم بسیار موثر می‌دانند.

کریستیان تو^۲ (۲۰۲۰) در تحقیق "بررسی پورنوگرافی اینترنتی در قوانین اندونزی" به پیشرفت حقوقی قضات در یافتن مدارک قانونی برای پرونده‌های جنایی پورنوگرافی سایبری پرداخته‌است که به دو صورت انجام شده‌است؛ نخست، از طریق فهم قاضی از مفهوم هرزه‌نگاری براساس قوانین جاری، و دوم، یافتن سازوکارهای حقوقی برای ایفای نقش قاضی در این گونه پرونده‌ها. در آخر پیشنهاد شده‌است که قاضی یک هنجار اخلاقی (قانون زندگی) را به‌عنوان مرجعی در ارزیابی میزان بروز رفتارهای پورنوگرافی برای تصمیم‌گیری موردتوجه قرار دهد.

جمع‌بندی پیشنهادی

بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهد که اگرچه در مدت اخیر تحقیقات قابل توجه و پراکنده‌ای در خصوص فضای مجازی صورت گرفته‌است و رهنمودهای کلی در حوزه پیشگیری از جرایم در فضای مجازی بیان شده‌است که تعدادی از مولفه‌های آن قابلیت بهره‌برداری در حوزه جرایم شبکه‌های اجتماعی را دارند اما به‌علت عدم ارائه دیدگاه یکپارچه، قابلیت بهره‌برداری راهبردی در حوزه‌های انتظامی پیشگیری از جرایم این شبکه‌ها را ندارند. در یک بررسی عمیق می‌توان تفاوت تحقیق پیش رو را با پیشینه‌های تحقیق به شرح زیر بیان کرد:

ردیف	وضعیت پیشینه	خلأهای پیشنهادی
------	--------------	-----------------

1. Varshney, Shipra & Munjal
2. Christianto

از جنبه کلان دارای خلأ جدی در ارائه راهبردهای پیشگیری از جرایم در فضای مجازی می باشند.	۱
فایده های ارائه شده در موارد بسیاری با واقعیت های موجود جرم هماهنگی نداشته و در نتیجه امکان بهره برداری مناسب از یافته ها برای مد نظر گرفتن در برنامه های پیشگیرانه پلیسی فراهم نمی گردد.	۲
توجه نکردن به منافع اقتصادی یکی از علل اصلی جرایم منافی عفت و اخلاق عمومی در اینترنت و شبکه های اجتماعی می باشد و در حوزه کسب و کارهای اینترنتی قابل بررسی است.	۳
نپرداختن به مشکلات سازمانی پیش روی پلیس	۴
عدم احصای دیدگاه کارشناسان مربوط در پلیس های تخصصی محور قراردادن بررسی وضع موجود و وضع مطلوب	۵
۱. معطوف به حوزه جرایم هرزه نگاری می باشد. ۲. نپرداختن به سایر مصادیق جرایم منافی عفت مانند حجاب، تبلیغات، بدپوششی و...	۶

در نتیجه، این پژوهش بر آن است تا با شناسایی و تدوین الگوی مناسب و تکمیل خلأ پژوهش های سابق، الگویی ارائه نماید که در راستای پیشگیری انتظامی از جرایم شبکه های اجتماعی مورد بهره برداری رده های تابعه پلیس قرار گیرد.

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

در مجموع، می توان نظریات موجود در باب هویت و فضای مجازی را به چند دسته کلی تقسیم کرد:

الف. نظریه های اجتماعی با رویکرد مثبت (نظریه شری^۱، تورکل^۲ و استون^۳)

بر اساس نظریه تورکل در باب رابطه حضور در فضای مجازی و شکل گیری خود پست مدرن در بین کاربران فضای مجازی به ویژه شرکت کنندگان در میدان های چند کاربردی به مثابه فضایی

1. Sherry
2. Turkel
3. Ston

مجازی برای گفتگو، بازی نقش و تعامل با سایرین باید به‌طور مداوم و منظم باشد. البته تورکل در ارائه این نظریه تنها نبوده و بسیاری دیگر از متفکران از جمله استون و شری، در شرح و بسط نظریه ظهور خودهای چندگانه در فضای مجازی او را همراهی کرده‌اند. به عقیده او، فضای مجازی در حال سوق دادن ما به فرهنگی پست مدرن بر مبنای تمایز و پراکندگی است؛ چراکه حضور در فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص آن، از جمله امکان گمنامی و حذف نشانه‌های فیزیکی به خود کاربر اجازه می‌دهد که به آسانی نقش‌های متعدد و متفاوتی را در زمان‌های مختلف و با تنظیمات مختلف مورد دلخواه و پسند خود بازی کند. علاوه بر این، فضای مجازی از نظر وی تا حدودی فضایی رهایی‌بخش است؛ چراکه به خود کاربر اجازه می‌دهد تا در یک لحظه، خالق، بازیگر، کارگردان، تهیه‌کننده و در مجموع، همه‌کاره نمایش مطلوب خود باشد. همان‌طور که وی اظهار می‌دارد، صفحه نمایش رایانه، در حقیقت، موقعیتی جدید برای تحقق خیال‌ها و تمایلات عقلانی یا نیازهای غریزی کاربران است (تورکل، ۱۹۹۶). استون نیز معتقد است که فضای مجازی به‌عنوان رسانه‌ای با "پهنای باند پایین" در مقایسه با تعامل چهره به چهره، فرصت بیشتری را برای دخیل کردن فرآیندهای تفسیر، تخیل و آرزوهای طرفین تعامل در گفتگو فراهم می‌آورد. در مجموع، درونمایه اصلی دیدگاه پسامدرنیست‌هایی چون تورکل و استون پیرامون تأثیرات هویتی حضور در فضای مجازی، حول این محور شکل گرفته است که فضای مجازی، فضایی رهایی‌بخش است که به کاربر اجازه رهایی از بدن و بسیاری از محدودیت‌های دیگر و شکوفایی جنبه‌های مختلف خود را که پیش از این قادر به بیان و نمایاندن آنها نبود، می‌دهد (کوثری، ۱۳۸۶).

ب) نظریه‌های اجتماعی با رویکرد منفی (نظریه وین^۱، کاتز^۲، دریفوس^۳، باومن^۴ و تاملینسون^۵)

این دسته از نظریات شامل ترکیبی از نظریات و رویکردهای به‌نسبت بدبینانه به تأثیرات حضور در فضای مجازی به‌ویژه در ابعاد هویتی است. این نظریات به‌طور پراکنده و در انتقاد از نظریات و رویکردهای به‌نسبت خوش‌بینانه پسامدرنیست‌ها شکل گرفته‌اند. مسئله نخست که این دسته از نظریه‌پردازان به آن پرداخته و آن را به چالش کشیده‌اند، مسئله گمنامی به‌عنوان

1. Win
2. Katz
3. Dreyfus
4. Bauman
5. Tamlinson

امکانی رهایی بخش است.

کاتز (۱۹۹۸) گمنامی را سازه اجتماعی می‌داند که بر اساس توافق افراد شکل گرفته است. دنیای مجازی شاید محاسبه‌ناپذیرتر از دنیای روزمره باشد؛ اما در مجموع، بر پایه همان قواعد و قراردادهای اجتماعی دنیای واقعی شکل گرفته است. در حقیقت، فضای مجازی نیز از طریق منابع قدرت اقتصادی و سیاسی واقعی کنترل و اداره می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۸۸). مسئله دیگری که بسیاری از آسیب‌شناسان به آن پرداخته‌اند، مربوط به ویژگی‌های خاص تعاملات و ارتباطات در دنیای مجازی است. به عقیده آنها تعاملات مجازی در نهایت، منجر به انزوای اجتماعی و کاهش تعاملات کاربر در دنیای واقعی وی به‌ویژه از لحاظ عمق و کیفیت می‌شود و عموماً استفاده بیشتر از اینترنت، با کاهش ارتباطات اجتماعی به‌خصوص از نوع ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده، دوستان نزدیک و... همراه است. از نظریه پردازان این رویکرد می‌توان "دریفوس" فیلسوف و نگارنده کتاب "نگاه فلسفی به اینترنت" و منتقد بزرگ فضای مجازی، به‌خصوص تعاملات مجازی در دنیای معاصر، وین، باومن و تاملینسون نام برد.

ج) نظریه‌های اجتماعی میانه‌رو (نظریه میلر^۱، تامپسون^۲ و گافمن^۳)

در این قسمت، در مجموع، از بین نظریات تلفیقی متعدد، برای نمونه، دو رویکرد کاملاً متفاوت به هویت و فضای مجازی را شرح خواهیم داد. رویکرد نخست، رویکرد به نحوه شکل‌گیری و ارائه خود در فضای مجازی در چارچوب نظریه نمایشی گافمن است و رویکرد دوم، رویکرد نوین به خود در دنیای مدرن کنونی و در پرتو ظهور و گسترش رسانه‌های جدید و افزایش تعاملات رسانه‌ای.

میلر در مقاله معروف خود با عنوان "ارائه و نمایاندن خود در زندگی الکترونیکی" و با نام فرعی "گافمن در اینترنت" در پی توضیح نحوه ارائه خودهای مجازی در فضای مجازی با استفاده از چارچوب نظریه نمایش گافمن و نظریات وی در باب نحوه ارائه خود در زندگی روزمره است. به عقیده وی، ارتباطات الکترونیکی دامنه جدیدی از چارچوب‌های تعامل را با آداب و رسومی مخصوص وضع می‌کند که اگرچه آشکارا از تعاملات دنیای واقعی، با حضور فیزیکی فقیرترند، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را در راه ارائه و نمایاندن خود در دنیای کنونی فراهم می‌کنند. از نظر میلر، در مجموع، می‌توان گفت که افراد در فضای مجازی، فرصت ارائه خود مطلوب و

1. Miller
2. Thompson
3. Guffman

ایده‌آل خویشتن را تا حدودی در اختیار دارند، خودهایی که می‌توانند پشت صحنه فرد در دنیای واقعی یا ترکیبی از پشت صحنه و جلوی صحنه وی باشند. فضای مجازی در این معنا هم می‌تواند در حکم جلوی صحنه خود و دیگران و هم در حکم پشت صحنه آنان باشد.

د) استفاده و رضامندی به اینترنت برگرفته از نظریه‌های مک کوئیل^۱ و کاتز^۲

این نظریه که به‌عنوان نظریه "روابط مخاطب رسانه‌ها" نیز مشهور است، به جای پیام، بر مخاطب تأکید می‌کند و برخلاف نظر تأثیرات شدید رسانه، مصرف‌کننده رسانه را به جای بیان رسانه، به‌عنوان نقطه آغاز فرض می‌کند. این رویکرد، مخاطبان را افرادی فعال می‌داند که از مفهوم و محتوای رسانه‌ها استفاده می‌کنند نه افرادی که منفعل و تحت تأثیر رسانه هستند. بنابراین، رویکرد استفاده و رضامندی، بین پیام‌های رسانه و تأثیرات، رابطه مستقیمی فرض نکرده و معتقد است که مخاطب از میان مجاری ارتباطی و محتوایی که به وی عرضه می‌شود، بر اساس نوعی ملاک، دست به انتخابی آگاهانه و انگیزه‌دار می‌زند. این نظریه با فاصله گرفتن از دیدگاه منفعل و ایستای زیر جلدی در خصوص تأثیرات رسانه‌ها، بر مخاطب فعال تأکید می‌کند. مخاطب فعال متشکل از افرادی است که فعالانه در جستجوی مجموعه‌هایی از رضامندی‌ها، از میان طیف برون‌داد رسانه‌ای گزینش شده و استفاده شده هستند. مک کوئیل در چارچوب همین نظریه، نیازهای مخاطب را که رسانه‌ها به شیوه‌های گوناگون سعی در فراهم کردن آنها برای رضامندی مخاطب دارند، از این قرار می‌داند: ۱. سرگرمی؛ ۲. هویت شخصی؛ ۳. نظارت؛ ۴. روابط شخص (خدایاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۲-۱۶۸).

مطالعه تطبیقی تجربیات رسانه‌های اجتماعی در پلیس کشورهای منتخب

این بخش استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط نهادهای پلیس را مورد بررسی قرار می‌دهد و هرگونه انشعاب و چندشاخه‌گی برای خط‌مشی عمومی، قانون، روابط پلیس و عموم مردم، روابط پلیس با رسانه‌ها و روندها و خط‌مشی‌های مربوط به پلیس را مورد بررسی قرار می‌دهد که در بین این عوامل، کمک‌های تحقیقاتی در رابطه با نوآوری‌های موجود در ارتباط با سازمان‌های پلیس کشورهای آمریکا، آلمان، انگلستان، کره و چین وجود دارند.

با توجه به اینکه تحقیقات مستقیم در رابطه با استفاده پلیس از رسانه‌های اجتماعی بسیار کم

1. McQuill

2. Katz

است، ساختارهای نظری که از تحقیقات انجام گرفته به وجود آمده‌اند، به واسطه نظریه انتشار نوآوری به‌عنوان یک دریچه مورد بررسی قرار گرفتند. با در نظر گرفتن تحقیقات مورد اشاره و نظریه‌های ارزیابی شده به‌عنوان ارکان اصلی، دو تحقیق مجزا ولی مکمل انجام گرفتند تا بتوانند تحلیل جامعی از نحوه بهره‌مند شدن و استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط پلیس کلان‌شهرها در ایالات متحده آمریکا، آلمان، انگلستان، کره جنوبی و چین از سال ۲۰۱۰ ارائه دهند که در این بازه زمانی رسانه‌های اجتماعی توسط سازمان‌های کمتری مورد استفاده قرار می‌گرفتند. این تحقیق‌ها تا سال ۲۰۲۰ ادامه یافتند که در این بازه‌های زمانی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی تقریباً به حالت اشباع رسیده بود.

۱. آلمان

وزارت کشور آلمان، کنترل دسترسی به محتوای اینترنت در آلمان را برعهده پلیس BKA^۱ گذاشته‌است. پلیس آلمان ساختاری ایالتی دارد و اختیارات آن عموماً به ایالت‌ها محدود می‌شود و ایالت‌ها نیز قوانین و رویه‌های مختلفی دارند. در خصوص تهدیدات اینترنتی BKA وظیفه ایجاد هماهنگی فراهیالتی را برعهده می‌گیرد. در واقع، دفتر مرکزی ارتباطات و اطلاعات پلیس در BKA قرار دارد. وظیفه این دفتر ایجاد هماهنگی بین نیروهای پلیس ایالتی و فدرال و انجام تعاملات با اینترپل و یورپل و سیستم‌های اطلاعاتی شینگن است. در BKA متخصصان طراز اولی در حوزه‌های مختلف گرد هم می‌آیند: علوم جنایی، علوم طبیعی و اجتماعی، حقوق، اقتصاد و تکنولوژی اطلاعات و اداره. تقریباً نیمی از این تعداد در امور پلیسی کاملاً آموزش دیده هستند؛ بنابراین، از راهبردهای کاربردی پلیس آلمان عبارتند از ایجاد فضای مناسب برای پاسخ به سوالات در شبکه‌های اجتماعی و انتشار سریع اطلاعات.

۲. انگلستان

قانون انگلیس به پلیس اجازه می‌دهد تا مشخصات فرد در خواست‌کننده محتوای غیرقانونی (محتوای بر ضد کودکان) را از شبکه‌های اجتماعی استخراج کند (لومبی^۲، ۲۰۱۰). با استفاده از این فیلترهای خانگی، خانواده‌ها دیگر نیازی به دانلود و نصب نرم‌افزارهای فیلترینگ برای کنترل اینترنت خود ندارند و فقط با راه‌اندازی این سیستم قادر خواهند بود فعالیت فرزندان خود در اینترنت را تحت نظارت خود درآورند. انگلیس در سال ۲۰۲۰ طرحی موسوم به آفکام^۳ را معرفی کرد که به دولت

1. Bundeskriminalamt (German federal police)

2. Lumby

3. Ofcom

اجازه می‌دهد محتوای اینترنت را تنظیم و بر آن نظارت کند. این طرح بخشی از تلاش برای وادار کردن فیس‌بوک، یوتیوب و سایر غول‌های اینترنتی برای کنترل بیشتر بر پلتفرم‌های خود بود. مهم‌ترین مأموریت آفکام، حفاظت از کاربران اینترنت در مواجهه با محتوای مضر است. آفکام با اعمال تنظیمات سعی دارد کاربران فضای مجازی با محتواها و موقعیت‌های مضر روبه‌رو نشوند و مصرف‌کنندگان آسیب‌پذیر نیز از آسیب‌های خاص محافظت شوند. مطالعات اخیر که توسط آفکام انجام شده‌است، نشان می‌دهد که مردم بیشتر در مورد مسائلی مانند حفاظت از کودکان، قرار گرفتن در معرض محتوا یا تعاملات مضر، استفاده از داده‌ها و حریم خصوصی آنلاین نگران هستند؛ بنابراین، از راهبردهای کاربردی پلیس انگلیس، سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری می‌باشد.

۳. آمریکا

در مقایسه راهبردهای کشورها در قبال شبکه‌های اجتماعی، رویکرد آمریکا نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است؛ زیرا این کشور (علاوه بر راهبردهای مورد استفاده کشورهای دیگر) از راهبردهای صرفاً فعالانه نیز فراتر رفته‌است و سیاست‌های دولتی خود را درون شبکه‌های اجتماعی تجویز و در مواردی به مرزهای مجازی کشورهای دیگر حمله می‌کند. از جمله سیاست‌های تجویزی می‌توان به طرح (اینترنت چمدان) ایالات متحده اشاره کرد که برای ایجاد شورش در ایران استفاده شده‌است. همچنین، دولت ایالات متحده در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۰۱، قانونی با عنوان براندازی^۱ را تصویب کرد که به موجب آن، کنترل و نظارت بر تبادل داده‌های بر خط کاربران، رنگ قانونی به خود گرفت. پلیس ایالات متحده آمریکا نیز از شبکه‌های اجتماعی برای شناسایی جرایم استفاده می‌کند. علاوه بر کشف جرایم و خشونت با پایش شبکه‌های اجتماعی، فعالیت‌های معترضان را نیز رصد و ردیابی می‌کند و به سرعت نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهد (تیلور، ۲۰۱۱). یکی دیگر از فعالیت‌های پلیس آمریکا در عضویت از شبکه‌های اجتماعی این است که با همکاری یک شرکت مستقر در شهر شیکاگو ایالات متحده آمریکا ابزاری می‌فروخت که با استفاده از متن‌ها، تصاویر و ویدئوهای شبکه‌های اجتماعی اطلاعاتی درباره معترضین در اختیار پلیس قرار می‌داد. این شرکت که ژئوفیدیا^۲ نام دارد از اطلاعات فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و ۹ شبکه اجتماعی دیگر استفاده می‌کند و به کاربران خود امکان می‌دهد تا محتوای شبکه‌های اجتماعی را در یک مکان به خصوص جغرافیایی جستجو کنند. این شرکت ابزار خود را در اختیار پلیس گذاشته و پلیس هم از آن در

۱. patriot Act (لایحه میهن‌دوستی آمریکا بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در خصوص مقررات مربوط به اقامت، تابعیت و مهاجرت شهروندان غیر آمریکایی)

سرکوب معترضان استفاده کرده است (نیوتایمز^۱، ۱۳۹۵).

راهبردهای کاربردی پلیس آمریکا عبارتند از: ۱. کسب اطلاعات در مورد متهمان از طریق اتفاقات جنایی به اشتراک گذاشته شده از سوی کاربران؛ ۲. جلوگیری از جرایم و به حداکثر رساندن همکاری های بین المللی در تعقیب و مجازات این مجرمان؛ ۳. سیستم ماهواره ای PGP که می تواند در هر شرایط مکانی آب، کوه و یا جنگل و دیگر مکان های از راه دور بدون شبکه GSM دسترسی داشته باشد؛ ۴. شفاف سازی در فعالیت ها.

۴. چین

کشور چین در کنار ایجاد دو پلیس سایبری که به صورت علنی در مراکز پلیس به رهگیری ارتباطات شهروندان مشغول هستند، یک ارتش سایبری نیز تأسیس کرده است که به صورت مخفی در فضای مجازی و حوزه نظامی مشغول به فعالیت هستند. از دیدگاه کارشناسان سایبری در چین، آن چیزی که می تواند این کشور را در برابر هجوم شبکه های اجتماعی محفوظ بدارد، ضمن تنگ کردن دامنه فعالیت سایت ها و شرکت های اینترنتی مختلف جهانی، ایجاد خدمات اینترنتی مشابه و ملی در کشور است. راهبرد کاربردی کشور چین شامل این مورد اساسی می باشد که پلیس این کشور از طریق کنترل هر چه بهتر عملیات های پلیسی در شبکه های اجتماعی، به فرماندهان مراکز پلیس چین امکان می دهد تا دروازه بان اطلاعات باشند. آنها می توانند به شهروندان در زمینه های مختلف هشدار دهند، اطلاعات مهم خود را با مردم به اشتراک بگذارند، منابع جامع تر اطلاعاتی را در اختیار بگیرند و بیانیه های سازمان خود را با حداقل هزینه منتشر کنند (کینگ^۲، ۲۰۱۳). این کشور همچنین، صدها هزار پلیس سایبری دارد که بر سیستم عامل های شبکه های اجتماعی نظارت می کنند.

۵. کره جنوبی

کره جنوبی، در فهرست کشورهای با فضای مجازی تحت نظارت برای سانسور اینترنت قرار داده می شود؛ یعنی در حالی که شهروندان آزادی بیان دارند، اما لزوماً حقوق مربوط به حریم خصوصی آنها به طور کامل رعایت نخواهد شد. در این کشور که دارای بالاترین نفوذ فعال رسانه های اجتماعی در میان کشورهای آسیایی است، شبکه های اجتماعی مانند فیس بوک، Kakaostory، توئیتر، لاین، اینستاگرام و KakaoTalk به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرند.

تصمیم برای سانسور اینترنت در کشور کره جنوبی، از طریق دو کمیته ارتباطات کره (KCC) و کمیته

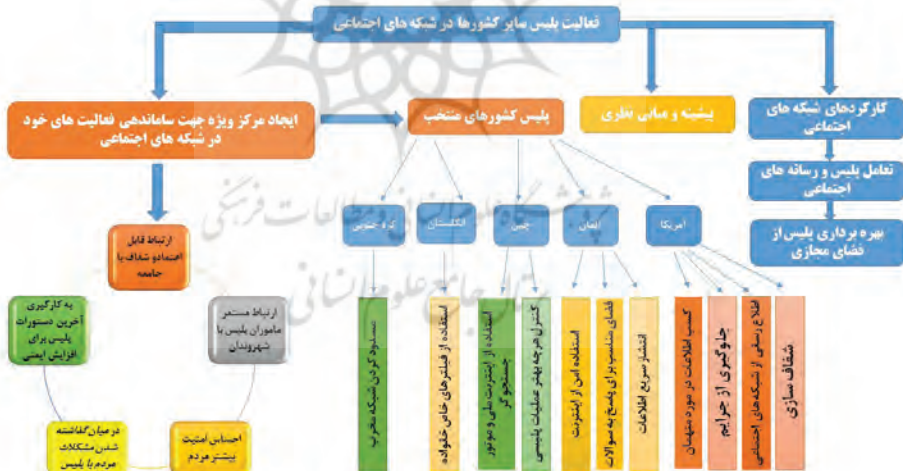
1. New Times

2. King

استانداردهای ارتباطات کره (KCSC) صورت می‌گیرد و مواردی از قبیل محتوای مستهجن، موارد مضر برای افراد زیر سن قانونی، تقلب در اینترنت، موارد مربوط به ستایش کره شمالی و محتوای ضد دولتی و ضد قوای نظامی، از جمله محتواهایی است که توسط این دو کمیته مسدود می‌شوند. بنابراین، از راهبردهای کاربردی پلیس این کشور، مسدود کردن شبکه‌های اجتماعی مخرب است.

نمای کلی فعالیت پلیس کشورهای منتخب در شبکه‌های اجتماعی

پلیس بسیاری از کشورهای انتخاب‌شده، از یک مرکز ویژه برای ساماندهی فعالیت‌های خود در شبکه‌های اجتماعی برخوردار می‌باشد. این مرکز جهت ارتباط قابل اعتماد پلیس و جامعه بر اساس فعالیت‌های زیر بنیان گذاری شده است: ۱. ارتباط موثر شهروندان و پلیس؛ ۲. احساس امنیت بیشتر مردم؛ ۳. در میان گذاشتن مشکلات مردم با پلیس؛ ۴. به کارگیری آخرین دستورات پلیس برای افزایش ایمنی. در شکل ۱، مطالب پیش گفته که از طریق بررسی میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای احصا گردیده است، به‌طور خلاصه، بیان می‌گردد.

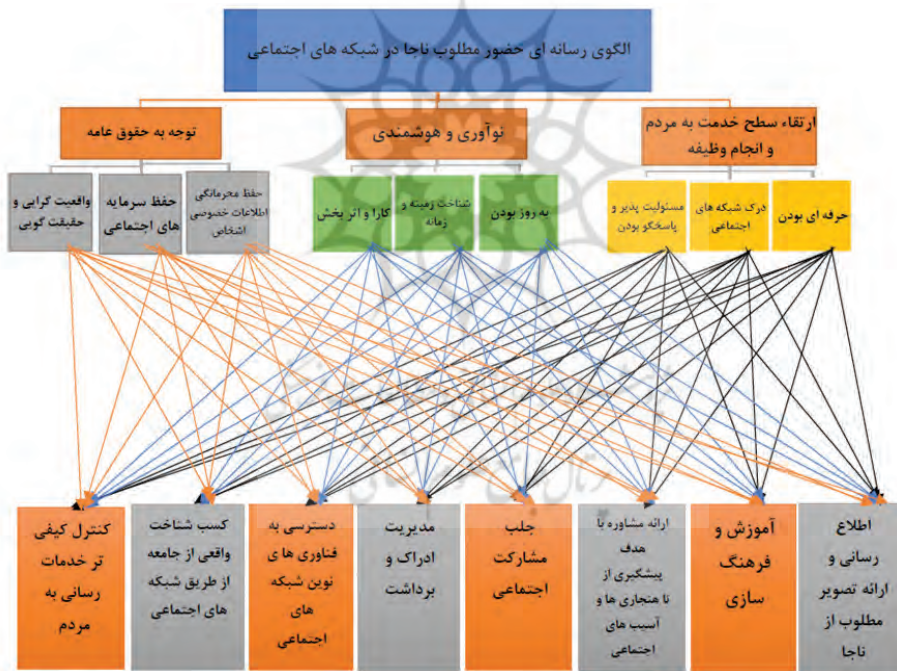


شکل ۱. نمای کلی فعالیت پلیس کشورهای منتخب در پژوهش

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

با بررسی نقطه‌نظرات اخذ شده از مدیران ارشد، اساتید و کارشناسان حوزه شبکه‌های اجتماعی از

مجموعه‌های ناجا، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین و دانشجویان دکتری مدیریت رسانه که به صورت هدفمند و روش گلوله‌برفی انتخاب شده بودند و همچنین، بهره‌گیری از روش‌های کاربردی پلیس کشورهای منتخب در شبکه‌های اجتماعی (شکل ۱)، ابتدا ۳ معیار اصلی به قرار زیر احصا گردید: ۱. ارتقای سطح خدمت به مردم و انجام وظیفه؛ ۲. نوآوری و هوشمندی؛ ۳. توجه به حقوق عامه جهت استفاده ناجا از این شبکه‌ها. پس از آن، زیر معیارها و گزینه‌هایی که ناجا در راستای اهداف سازمانی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند انجام دهد و از مزایای آن برخوردار شود، در قالب طرح سلسله‌مراتبی (شکل ۲) مشخص و پرسش‌نامه AHP طراحی گردید و توسط کارشناسان این حوزه وزن‌دهی شد و سپس از طریق نرم‌افزار Expert Choice فعالیت‌های ناجا در این شبکه‌ها با رعایت مفهوم منطقی ناسازگاری در این نرم‌افزار، اولویت‌بندی و الگوی نهایی بهره‌مندی ناجا از شبکه‌های اجتماعی پیشنهاد گردید.



شکل ۲. نمای طرح سلسله‌مراتبی از هدف، معیارهای اصلی، زیرمعیارها و گزینه‌ها

معیارهای اصلی مقایسه زوجی راهبردها در روش تحلیلی AHP

۱. ارتقای سطح خدمت به مردم و انجام وظیفه

پلیس به عنوان یک نهاد انقلابی، وظیفه خدمت به عموم مردم را برعهده دارد؛ با تأکید بر این مهم، پلیس باید پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشد. با توجه به اینکه آنها وظایف خود را از طرف مردم انجام می‌دهند، با این حال، ممکن است که مشکل در تعریف مردم و نیازها در بسیاری از کشورها باشد و ممکن است که گروه‌های مختلف اجتماعی انتظارات مختلفی درمورد چگونگی پاسخ پلیس در شرایط خاص داشته باشند. شایستگی‌های فردی، آموزش سازمانی، هوش هیجانی افراد، معنویت در محیط کار، احساس عدالت سازمانی، احساس تعهد سازمانی، رضایت شغلی و احساس اعتماد سازمانی از عوامل مؤثر در پاسخ‌گویی پلیس به شمار می‌روند (رجبی فرجاد، ۱۳۹۷). بنابراین، در راستای ارتقای سطح خدمت پلیس به مردم سه زیر معیار مطرح می‌شود: ۱. حرفه‌ای بودن؛ ۲. درک شبکه‌های اجتماعی؛ ۳. پاسخ‌گو بودن.

۲. نوآوری و هوشمندی

هوشمندسازی یعنی استفاده از روش‌ها و ابزارهای فناوری و اطلاعات به منظور مدیریت، هدایت و فرماندهی، اداره صحیح امور، ساده‌سازی فعالیت‌ها، ارتقای سبک زندگی، حرفه‌ای‌تر شدن کارها و فعالیت‌ها، سرعت بخشیدن به امور، انجام کار صحیح، کاهش مصرف انرژی و به صورت کلی، استفاده حداکثری از کیفیت و خدماتی که می‌توان از فناوری اطلاعات در راستای شاخص‌های زندگی بهره گرفت. امروزه، با گسترش کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی روزمره، شاهد شکل‌گیری نسل جدیدی از ابزارهای اینترنتی هستیم که امکانات بیشتری را برای ارتباط دوسویه فراهم آورده است. همچنین، با توجه به اینکه ناجا به جهت گستره عملکرد و مسئولیت خود به عنوان سازمانی که مسئولیت مستقیم برخورد با ناهنجاری‌های سایبری را برعهده دارد، با ظهور جامعه مجازی، این مسئولیت را نیز برعهده گرفته است.

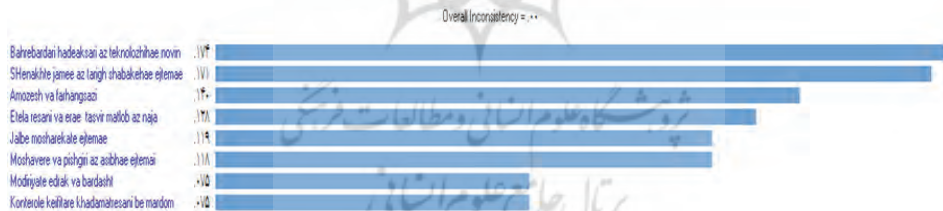
کارکنان مسئولیت‌پذیر ناجا، هم‌زمان با توسعه شبکه‌های اجتماعی، آموزش‌های تخصصی را طی می‌کنند؛ چراکه کار کردن در این قسمت نیازمند دانش تخصصی و به روز است. از طرفی، کشف جرایم در بستر شبکه‌های اجتماعی، نیاز به پشتوانه علمی قوی و کارشناسان فنی با دانش بالا دارد؛ از این رو است که حضور در لحظه و فعال در شبکه‌های اجتماعی، خود یک نوآوری در خدمات پلیس به حساب آمده و به نوعی نیز بیانگر تغییر محیط مأموریتی ناجا متناسب با مأموریت‌های محیط واقعی می‌باشد. بنابراین، در راستای تحقق کیفی نوآوری و هوشمندی پلیس، سه زیر معیار مطرح می‌باشند: ۱. به روز بودن؛ ۲. شناخت زمینه و زمانه؛ ۳. کارا و اثر بخش بودن.

۳. توجه به حقوق عامه

حریم خصوصی و لزوم رعایت حرمت آن، از جمله موضوعات رایج مباحث حقوقی و سیاسی است که در حقوق داخلی کشور ما نیز قداست و حرمت ویژه‌ای دارد. مصونیت این حوزه از زندگی شهروندان، کمترین حق آنان است که باید محترم شمرده شود و این را از تمدن "نوین" برشمرده‌اند (اسماعیلی، ۱۳۹۱). از سویی دیگر، یکی از مهم‌ترین آثار استفاده نامطلوب از شبکه‌های اجتماعی، افشای اطلاعات خصوصی شهروندان است که این معضل بزرگ با تحول فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌خصوص با ظهور اینترنت، به یک بحران بزرگ بشری تبدیل شده است. از دید کارشناسان فعال در حوزه شبکه‌های اجتماعی، معیار دیگری که در فعالیت‌های پلیس در حوزه این شبکه‌ها خیلی جدی و مهم است، حفظ محرمانگی اطلاعات افراد و پلیس با محوریت پیشگیری از سوءاستفاده افراد فرصت طلب در ارتکاب جرم است. بنابراین، در راستای تحقق حقوق عامه از سوی پلیس، سه زیر معیار مطرح می‌باشند: ۱. حفظ اطلاعات خصوصی؛ ۲. حفظ سرمایه‌های اجتماعی؛ ۳. واقعیت‌گرایی و حقیقت‌گویی.

خروجی نهایی اقدامات پیشنهادی جهت بهره‌مندی ناجا از شبکه‌های اجتماعی

خروجی نهایی اقدامات پیشنهادی جهت بهره‌مندی ناجا از شبکه‌های اجتماعی از دید کارشناسان این حوزه براساس ۳ معیار مطرح شده در بالا به صورت ذیل می‌باشد:

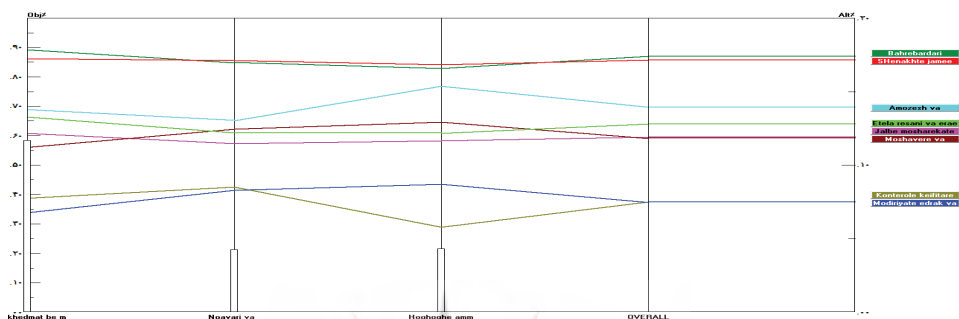


- بهره برداری حداکثری از فناوری‌های نوین ارتباطی با ۰,۱۷۴ امتیاز؛
- شناخت جامعه از طریق شبکه‌های اجتماعی با ۰,۱۷۱ امتیاز؛
- آموزش و فرهنگ‌سازی با ۰,۱۴۰ امتیاز؛
- اطلاع‌رسانی و ارائه تصویر مطلوب از ناجا با ۰,۱۲۸ امتیاز؛
- جلب مشارکت اجتماعی با ۰,۱۱۹ امتیاز؛
- مشاوره و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با ۰,۱۱۸ امتیاز؛

۷. مدیریت ادراک و برداشت با ۰,۷۵ امتیاز؛

۸. کنترل کیفیت خدمات‌رسانی به مردم با ۷۵ امتیاز.

نمودار شکل ۳، مقایسه کلی راهبردها را نسبت به معیارهای ما بر اساس درجه حساسیت نشان می‌دهد.



شکل ۳. درجه حساسیت راهبردها نسبت به تأثیر سه معیار اصلی

الگوی نهایی حضور مطلوب ناجا در شبکه‌های اجتماعی

با استفاده از راهبردها و فعالیت‌های پلیس سایر کشورها از شبکه‌های اجتماعی و بهره‌گیری از نقطه‌نظرات کارشناسان و مدیران حوزه شبکه‌های اجتماعی و نیازهای پلیس، الگوی نهایی حضور مطلوب ناجا در شبکه‌های اجتماعی براساس جمع‌بندی پرسش‌نامه و نقطه‌نظرات کاربردی خبرگان این حوزه، اولویت بندی ۳ معیار اصلی، زیرمعیارها و ۸ گزینه مربوط، به صورت شکل ۴ از طریق نرم‌افزار Expert Choice احصا و الگوی نهایی پیشنهاد گردید.



شکل ۴. الگوی (FSNE): معیارهای اصلی، زیرمعیارها و گزینه‌های موثر حضور مطلوب ناچا در شبکه‌های اجتماعی

۱. بهره‌برداری حداکثری از فناوری‌های نوین ارتباطی

با توجه به بهره‌گیری فضای سایبری از دانش‌ها و فناوری‌های نوین و پیچیده‌تر شدن امکانات ساخت‌افزاری و نرم‌افزاری این فضا، لازمه مصون‌سازی و امنیت‌بخشی به انتظام کشور، برخورداری از توان نوآوری، ابتکار و خلاقیت در تمامی سطوح نیروی انسانی هوشمند در این حوزه می‌باشد. حضور پلیس در شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌ها، خود، به نوعی استفاده از فناوری جدید و بروز بودن پلیس است. همین‌طور که جرایم در شبکه‌های اجتماعی شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرند، نیاز به یک پلیس فنی و تخصصی و به‌روز داریم و این خود باعث می‌شود که پلیس هر ساله دوره‌های آموزشی و فنی را در حوزه فضای مجازی و نیاز فنی کارکنان برگزار کرده و به این ترتیب، به جدیدترین فناوری‌ها و تجهیزات جهت حضور مطلوب در شبکه‌های اجتماعی دست یابد. شایان ذکر است که دستیابی به فناوری‌های تحول‌آفرین مستلزم همراهی مستمر صنعت، دانشگاه‌ها و همچنین، بهره‌گیری از قابلیت‌های بسیج، سازمان‌های مردم‌نهاد و ظرفیت‌های مرتبط در بخش خصوصی می‌باشد.

۲. شناخت جامعه از طریق شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف زندگی کنونی افراد جامعه نقش دارند و رسالت رسانه‌های سنتی و یک‌طرفه را از بین برده‌اند و به‌نوعی می‌توان گفت که در بطن زندگی انسان‌ها نفوذ کرده‌اند. مردم با استفاده از این شبکه‌ها به‌سرعت به اخبار و اطلاعات موردنیاز خود دسترسی پیدا می‌کنند و در فضای مجازی با یکدیگر وارد تعامل می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی این امکان را ایجاد می‌کنند که گروه‌ها به‌سرعت شکل بگیرند و با هم ارتباط مؤثری برقرار کنند. از دید کارشناسان این حوزه، ناجا با استفاده از این شبکه‌ها می‌تواند اخبار مربوط به مأموریت و فعالیت‌های موردنظر را در کمترین زمان ممکن و با سرعت هرچه بیشتر در اختیار مردم قرار دهد. همچنین، ناجا می‌تواند با ایجاد شبکه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی، اخبار و اقدامات پلیسی را به اطلاع مردم برساند و با ایجاد محتوایی به فعالیت‌های پیشگیرانه در شکل‌گیری و ایجاد ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی بپردازد.

۳. آموزش و فرهنگ‌سازی

آموزش و آگاهی‌بخشی در سطوح مختلف، یکی از کارکردهای مهم پلیس در شبکه‌های اجتماعی است. طبیعتاً با در نظر گرفتن فرم و قالب منحصر به فرد این شبکه‌ها، آموزش شکل خاص خود را دنبال می‌کند که در بسیاری از مواقع، قابل‌قیاس با آموزش‌های رسمی و کلاس درس نیست. در شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های تخصصی فراوانی وجود دارند که در زمینه‌های متفاوت به آموزش مطالب ارزشمند می‌پردازند؛ بنابراین، ضروری به‌نظر می‌رسد که پلیس جمهوری اسلامی ایران هم به شهروندان در زمینه‌های مختلف هشدار و آموزش دهد و اطلاعات و اخبار خود را با مردم به اشتراک بگذارد و بیانیه‌های سازمانی را تا جایی که امکان داشته باشد، منتشر کند. همچنین، نسبت به آموزش، تربیت و توانمندسازی سرمایه‌های انسانی کارآمد و متخصص متناسب با اقتضانات حال و آینده با محوریت ارتقای دانش اجتماعی و توانمندی داخلی، تأثیرپذیری از فناوری‌های نوپدید، اقدام و درک هوشمندانه و پیش‌دستانه آسیب‌ها و تهدیدات این محیط را در دستور کار خود قرار دهد.

۴. اطلاع‌رسانی و ارائه تصویر مطلوب از ناجا

شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی جهت نمایش فعالیت‌های یک سازمان می‌باشند. پلیس می‌تواند اقدامات، فعالیت‌ها و عملیات‌های منجر به کشف و دستگیری مجرمین محل آسایش عمومی و حتی رشادت‌ها و شهادت مأموران خود در این مسیر را به‌منظور آرامش‌بخشی و کاهش تأثیرات مخرب عملیات روانی دشمن از طریق این شبکه‌ها، در معرض دید همگان قرار دهد. در همین راستا، ناجا در راستای اهداف از پیش تعیین‌شده خود مبنی بر حمایت از شبکه‌های اجتماعی داخلی

و تعامل سازنده با کاربران و فعالان فضای مجازی و همچنین، در پاسخ به درخواست‌های مکرر کاربران و مخاطبان، نسبت به ایجاد صفحه رسمی با محوریت جلوگیری از ایجاد صفحات جعلی در شبکه‌های اجتماعی کلوب، فیس‌نما، هم‌میهن، ویدئو آپارات، اقدام و در تعامل با ۱۳۲ کشور جهت اشتراک گذاری مصادیق جرم و فرد مجرم در عرصه بین‌المللی می‌باشد (پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس فتا، ۱۳۹۷).

۵. جلب مشارکت اجتماعی

توجه روزافزون به نقش و جایگاه مردم در صورت‌بندی جامعه معاصر و تلاش برای مشارکت‌پذیری مردم در امور مختلف نشان‌دهنده اهمیت آشکار نقش مردم بیش از گذشته است. بی‌شک، دلیل آن مفهوم "سرمایه اجتماعی" و اهمیت فزاینده بهره‌مندی از آن در مواجهه با مسائل و چالش‌های گوناگونی است که فراروی جامعه و نهادهای برآمده از آن قرار دارد. مشارکت مردم در امور مختلف، در حقیقت، راهی است برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از این نیروی بیکران اجتماعی و کاستن از دامنه مسائل و گرفتاری‌هایی که کمابیش در جامعه با آن روبه‌رو هستیم. با وجود این، پیش از آنکه پلیس به عنوان بخشی از نهادهایی که کار ویژه اصلی آنها ایجاد و نگهداری نظم و امنیت است، بخواهد از این سرمایه استفاده لازم را ببرد، نخست باید بتواند "بینش ضروری برای بهره‌مندی مناسب از این توانایی" را در مجموعه خویش و در افراد و رویه‌ها و فرهنگ سازمانی فراهم آورد و همچنین "زمینه‌های اجتماعی لازم برای این مشارکت" را آماده کند (میرسندسی، ۱۳۹۶).

مشارکت مردمی به مثابه راهبردی کلان در راستای تحقق این اهداف می‌تواند مورد توجه ویژه قرار گیرد. بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های مختلف اجتماعی و از جمله تمایل و گرایش جامعه به مشارکت و همکاری با پلیس در حوزه‌هایی از مأموریت‌های این نیرو و مشارکت دادن نهادمند و سازمان‌یافته یا غیر سازمان‌یافته، آحاد جامعه و ذی‌نفعان در امور و خدمات نیروی انتظامی، موضوعی است که می‌تواند در کاهش هزینه‌های این نیرو در انجام مأموریت‌ها موثر واقع شده است و نوعی پایداری در وضعیت‌ها از جمله نظم، ثبات و امنیت اجتماعی ایجاد کند. ناجا با رصد، پایش، مراقبت و تشخیص و هشدار به کمک قابلیت‌هایی از قبیل هشتگ، تصاویر ویدیویی، متن، لینک سایت اصلی و... می‌تواند با شهروندان ارتباط نزدیک برقرار کند و با اتخاذ شیوه‌های متنوع جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، به صورت مستقیم اطلاعات خود را با آنها به اشتراک بگذارد و از نقطه‌نظرات کاربردی شهروندان جهت کیفی‌سازی در روند مأموریت‌های خود، تقویت رویکرد جامعه‌محوری، افزایش اعتماد عمومی و ارتقای سطح مشارکت مردمی، بهره‌برداری نماید.

۶. مشاوره و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص مانند گمنامی و سهولت ارتباط، پیچیدگی روزافزون و رو به ازدیاد سامانه‌ها و شبکه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و خطر سامانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات، محملی برای انواع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی است و با گذشت زمان بر حجم آنها در این فضا افزوده می‌شود. این فضا، امکان آسیب‌رسانی به دیگران و آسیب‌دیدن را توأمان دارد؛ بنابراین، پرداختن به مقوله پیشگیری از آسیب‌های مختلف این فضا که گستره تأثیر آن همه قشرهای جامعه را دربرمی‌گیرد، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. ناچا با اشراف بر این سامانه‌ها در شبکه‌های اجتماعی و ارائه مشاوره پیرامون ناهنجاری‌ها و آسیب‌پذیری‌های ذاتی موجود در فضای سایبری با محوریت روند رو به رشد مهاجرت از دنیای سنتی به این فضا، می‌تواند با اتخاذ تمهیدات صحیح و دقیق از آلودگی این فضا پیشگیری نموده و با رصد و پایش مستمر آن، در راستای انتظام‌بخشی به فضای حقیقی کشور، اقدام نماید.

۷. مدیریت ادراک و برداشت

ادراک و برداشت یا افکار عمومی چیزی جز صدای مردم (ریو. ام. کریستنسن، ۱۳۶۵: ۲۳۴) نیست. این صدا همیشه و همه‌جا به شیوه‌های مختلف و در فرصت‌های متفاوت، توجه خواسته و ناخواسته، ارادی و غیر ارادی آنانی را که مخاطب قرار داده‌است، به خود مشغول داشته‌است. افکار عمومی یک پدیده واحد و مستقل نیست بلکه پدیده‌ای است که با دیگر پدیده‌های گوناگون پیوند نزدیک دارد. اقلیت و اکثریت، وضعیت‌های تنشی، تبلیغات، رسانه‌های گروهی، قوانین اجتماعی، هر یک در کم و کیف دخالت مردم در سرنوشت خود تأثیر می‌گذارند. در شرایط فعلی ادراک و برداشت (افکار عمومی)، سرنوشت خود را به دست رسانه‌ها سپرده‌است و این رسانه‌ها هستند که نقش منعکس‌کننده، تقویت‌کننده و حتی خاموش‌کننده افکار و اخبار را به دست دارند. به این ترتیب، با گسترش شبکه‌های اجتماعی، پدیده‌های روانی - اجتماعی مربوط به افکار عمومی نیز هر روز گسترش و اهمیت بیشتری می‌یابد و توجه پژوهشگران را به خود جلب می‌کند.

با وجود این، چگونگی پیوند افکار عمومی با رویدادهای اجتماعی و وسعت عمل آن به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی، مستلزم مدیریت و مطالعه آن از سوی پلیس می‌باشد؛ چراکه ادراک و برداشت در هر جامعه در بستر قالب‌های ارزش اجتماعی و فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد و تحول می‌پذیرد؛ بنابراین، بررسی افکار، مستلزم شناخت فضایی است که در آن شکل می‌گیرد. در اینجا مدیریت ادراک و برداشت، همان شناخت ارزش‌های مردمی از یک سو و پدیده‌های اجتماعی از

سوی دیگر، با محوریت توجه روزافزون به افکار و رشد فزاینده روابط اجتماعی از سوی پلیس در شبکه‌های اجتماعی با توجه به منزلت و جایگاه نهادی و سازمانی فرماندهی انتظامی در قیاس با دیگر سازمان‌ها در حوزه نهادی دولتی و در افکار عمومی جامعه می‌باشد.

۸. کنترل کیفیت خدمات رسانی به مردم

پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی وظیفه اصلی پلیس است. پلیس همواره باید خدمتگذار مردم باشد و در مأموریت‌هایی که انجام می‌دهد، جز رضای خداوند و مردم چیزی در نظر نداشته باشد. پلیس سازمانی است که در خدمت مردم و برای مردم فعالیت می‌کند و اگر بخواهد موفق باشد و قضاوت درستی از خود به مردم ارائه کند، باید انتظارات مردم را برآورده نماید. پلیس باید خود را به جای مردم قرار دهد و بررسی کند که مردم چه انتظاراتی از وی دارند؛ چراکه انتظارات مردم از پلیس تأثیر به‌سزایی در مأموریت‌ها و خدمت‌رسانی پلیس و در نهایت، ارتقای سطح خدمت و انجام وظیفه دارد.

نتیجه‌گیری

شبکه‌های اجتماعی نسل جدیدی از پایگاه‌هایی هستند که این روزها در کانون توجه کاربران شبکه‌های جهانی اینترنت قرار گرفته‌اند. این گونه پایگاه‌ها بر مبنای تشکیلات بر خط فعالیت می‌کنند و هر کدام، دسته‌ای از کاربران اینترنتی با ویژگی خاص را گرد هم می‌آورند. شبکه‌های اجتماعی را گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی می‌دانند که امکان دستیابی به شکل جدیدی از برقراری ارتباط و به‌اشتراک‌گذاری محتوا در اینترنت را فراهم آورده‌اند. این شبکه‌ها از طریق تشویق به مشارکت و ارائه بازخوردهای سریع در عمل، مرز میان مخاطب و رسانه را برمی‌دارند و از کلیه ظرفیت‌های موجود در سایر رسانه‌ها مانند تصویر و صدا و ... بهره می‌جویند و واقعیت مجازی را خلق می‌کنند.

کشور ما با خط آینده‌پژوهی و نگرش جامع در حوزه مدیریت فضای مجازی و حاکمیت داده مواجه است. این در حالی است که در مفهوم شبکه‌ملی اطلاعات، تعریف واحدی از حاکمیت و استقلال جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی گنجانده شده و باید از سوی مسئولان جدی گرفته شود؛ چراکه شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی جهت فرهنگ‌سازی، آگاه‌سازی و آموزش افراد است.

بی‌شک، شبکه‌های اجتماعی عامل اصلی تغییر محیط مأموریتی ناجا از فضای واقعی به مجازی به‌منظور پیگیری اقدامات انتظامی شده‌است و به اعتراف کارشناسان انتظامی، فضای سایبر به‌عنوان

پنجمین عرصه نبردهای در حال ظهور می‌باشد؛ زیرا همان‌طور که در پژوهش حاضر مشخص گردید، عوامل موثر بر توسعه راهبردهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دارای کارکردهای مختلف از جمله اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و هر یک از این کارکردها می‌توانند سهمی را در برقراری ایجاد امنیت و انتظام در شبکه‌های اجتماعی داشته باشند.

پلیس از جمله سازمان‌هایی است که بیشترین خدمات را به مردم ارائه می‌کند و از آنجا که در نتیجه توسعه فناوری و به‌روزشدن مجرمان با چالش‌های بزرگی مواجه است، باید با توسل به سازوکارهای علمی و فناورانه و با توجه به ارزش‌ها و قوانین حاکم بر جامعه، در راستای تحقق یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین وظایف خود که همانا تأمین نظم و امنیت است، این چالش‌ها را رفع کند؛ بنابراین، نیاز است تا خود نیز به روز(هوشمند) شده و با ابزار و امکانات امروزی در دنیای پیشرفته و پیچیده، به میدان مبارزه با مجرمان که شیوه‌های خود را به روز کرده‌اند، بیاید.

امروزه، تعداد زیادی از اداره‌های پلیس در جهان یک مرکز ویژه برای ساماندهی فعالیت‌های خود روی شبکه اجتماعی دارند و هر روز بر گستره فعالیت آنها در این پلتفرم‌های عمومی افزوده می‌شود. مأموران پلیس با اهداف مختلف در شبکه‌های اجتماعی حضور می‌یابند و البته تمامی آنها سعی می‌کنند تا با جمع‌آوری اطلاعات بیشتر، ارتباط مناسب با مردم و انتقال آگاهی، امنیت بیشتری برقرار کنند.

سازمان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، متناسب با محیط‌های پیش‌رو در این فضا و هم‌زمان با پیشرفت شبکه‌های اجتماعی و فراگیر شدن استفاده از این شبکه‌ها توسط مردم، با محوریت‌های نظارت و کنترل، بهره‌برداری و مشارکت، حضور رسمی و آشکار، حضور غیررسمی و پنهان، می‌تواند با ایجاد شبکه‌ها و صفحات تخصصی در شبکه‌های اجتماعی، با بهره‌گیری از الگوی رسانه‌ای احصاء‌شده در این پژوهش، نسبت به فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی مردم از انواع جرایم و آثار آن بر فرد و جامعه اقدام نماید؛ چراکه شبکه‌های اجتماعی با روش‌های ارتباط قابل اعتماد و شفاف با جامعه، می‌توانند برای ادارات پلیس کارآمد باشند.

پیشنهاد‌های پژوهشی برای پژوهشگران آینده

با توجه به شناسایی ابعاد هشت‌گانه الگوی رسانه‌ای حضور مطلوب ناجا در شبکه‌های اجتماعی، پیشنهاد می‌شود که هر یک از این ابعاد به‌عنوان یک مولفه و به‌صورت مجزا در شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی دقیق قرار گرفته و تأثیرات آن در عملکرد فعالیت‌های رسانه‌ای ناجا مورد سنجش قرار گیرد. در عین حال، پیشنهاد‌های پژوهشی زیر برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود:

۱. بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مرتبط بازاریابی الکترونیک از طریق شبکه‌های اجتماعی؛
۲. بهره‌گیری از توان افراد متخصص در برنامه‌نویسی طرح‌ها و برنامه شبکه‌های اجتماعی داخلی و تدوین برنامه‌های آموزشی مجازی برای کارشناسان فناوری اطلاعات به منظور کاهش تأثیر نامطلوب شبکه‌های اجتماعی و کلاهبرداری‌ها؛
۳. تحلیل احساسات کاربران شبکه‌های اجتماعی پیرامون مسائل مختلف جامعه با محوریت انتظام‌بخشی و پیش‌دستی در شناخت ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی جامعه؛
۴. تجزیه و تحلیل دیدگاه کاربران شبکه‌های اجتماعی نسبت به پلیس با همراهی صنعت، دانشگاه‌ها، بسیج، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی؛
۵. تحلیل و کشف جرم از طریق متن کاوی در شبکه‌های اجتماعی؛
۶. داده کاوی جرایم در شبکه‌های اجتماعی و پیش‌گیری از جرم به وسیله علم داده کاوی؛
۷. تعامل با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی سایبری در جهت اشتراک گذاری مصادیق جرم و فرد مجرم در راستای احقاق حقوق انتظامی کشور.

فهرست منابع

منابع فارسی

- آزادگان جهرمی، مریم (۱۳۹۶)، "مدیریت رسانه‌ای و حریم خصوصی"، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، سال پنجم، شماره ۲۱، صص ۲۷۸-۲۷۱
- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۱)، گفتارهایی در حقوق رسانه، حق خلوت و حریم خصوصی، تهران، مؤسسه نشر شهر
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰)، "تهدید اجتماعی شده، رویکردی تازه در تهدید سیاسی"، تهران، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۷۹-۱۰۴
- جاه‌بین، زهرا؛ مظفری، افسانه؛ هاشم زهی، نوروز؛ دادگران، سیدمحمد (۱۳۹۷)، "مطالعه کیفی عوامل ارتکاب جرایم در فضای مجازی (تحلیل محتوی کیفی پرونده‌های جرایم سایبری)"، مطالعات علوم اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۳۶-۹
- جمراسی‌فراهانی، علی (۱۳۹۰)، "مفاهیم نظری امنیت ملی تهران"، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- چاووشی، محمدصادق؛ کرامتی معز، هادی (۱۳۹۷)، "عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام"، پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم، شماره ۲،

صص ۱۰۵-۱۲۲

- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان (۱۳۹۸)، "بزه کاری و بزه‌دیدگی بومی‌های اینترنت، از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم ترمیمی"، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، سال چهل‌ونهم، شماره ۱، صص ۴۱-۶۳

- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۸۶)، "رویکردهای مقابله با تهدید نرم بر ضد منافع امنیتی ج.ا.ا"، نشریه علوم سیاسی، نگرش راهبردی، سال بیست‌ودوم، شماره ۸۸، صص ۲۸-۹

- حیدری، مسعود؛ شهبازی، امید؛ شیرانی، پویا (۱۳۹۷)، "تحقیق فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی پلیس در برخورد با جرایم سایبری"، فصلنامه کارگاه، سال دوازدهم، شماره ۴۱، صص ۵۴-۴۱

- ریو.ام. کریستنسن؛ رابرت.او.مک‌ویلیامز (۱۳۶۵)، صدای مردم، ترجمه محمود عنایت، تهران، کتاب‌سرا سپهری، محمد (۱۳۸۴)، "استراتژی دفاعی در اندیشه امام خمینی (ره)"، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج - عزیزی مهر، خیام؛ شاه قاسمی، احسان (۱۳۹۹)، تحلیل مصرف رسانه‌ای: رسانه‌ها و تغییرات نگرشی ایرانیان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

- کوثری، مسعود (۱۳۸۶)، جهان فرهنگی کاربران ایرانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ادبیات - نظری منظم، مهدی؛ مجیدی، عبدالله؛ هندیانی، عبدالله؛ وفادار، حسین (۱۳۹۸)، "بررسی عوامل موثر بر جرم‌یابی کلاهبرداری در فضای سایبر"، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیستم و یکم، شماره ۲، صص ۲۴۵-۲۱۷

- هاتف، مهدی (۱۳۸)، "چالش‌ها و چشم‌اندازهای امنیت در فضای مجازی"، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۵۴-۲۳

- هادیانفر، کمال (۱۸ مهر ۹۷)، تلگرام همچنان دارای بیشترین جرایم، خبرگزاری دانشجویان ایسنا - هادیانفر، کمال (۷ مرداد ۹۶)، سهم ۶۰ درصدی تلگرام و اینستاگرام از جرایم فضای مجازی، روزنامه گسترش صنعت، صفحه ۸

_____ (۱۳۹۹)، اسناد راهبردی مرکز مطالعات راهبردی ناجا، تحلیل راهبردی حوزه رسانه‌ای ناجا

منابع انگلیسی

-Aghaei,S.Nematbakhsh,M.A.&Farsani,H.K.(2012) .Evolution of the Word Wide Web:from Web 1.0to Web 4.0.International Journal of Web and Semantic Technology,3(1),pp 1-10

-Chappell, A.T., J.M. MacDonald, and P.W. Manz, 2006,"The organizational deter-

- minants of police arrest decisions*". *Crime & Delinquency*, 52(2),pp 287-306
- Christianto, H(2020) . Measuring cyber pornography based on Indonesian living law: Astudy of current lawfinding method. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 60. pp. 1-12. ISSN 1756-0616
- Horsman Graeme(2017). Combatting those who intentionally access images depicting child sexual abuse on the Internet: A call for a new offence in England and Wales-computer law & security review
- King, B.G.,2013, "A *political mediation model of corporate response to social movement activism*". *Administrative Science Quarterly*,. 53(3),pp 395-421
- Liaiv, H.T. , "The online audience as gatekeeper: The influence of reader metrics on news editorial selection. *Journalism*, 2014. 15(8) p. 194-281
- Lingameni, J.J., 2016,"*Administrative interventions on police shooting discretion: An empirical examination*". *Journal of Criminal Justice*. 7(4),pp 309-323
- Negriffa, Sonya, Valente Thomas W(2018) . Structural characteristics of the on-line social networks of maltreated youth and offline sexual risk behavior <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.01.033>
- Sakyyama, J.E. and W. Spelman, 2010,"*Who ya gonna call? The police as problem-busters*". *Crime & Delinquency*,. 35(1),pp 33-62
- Sambuli, N(2013, November) , "Monitoring Online Dangerous Speech in Kenya", Retrieved From Ihub
- Varshney, Shipra and Munjal, Dheeraj and Jash(2020) .Ipsita and Bhattacharya, Orijit and Saboo, Shagun, Cyber Crime Awareness and Corresponding Countermeasures Available at ssrn : https://ssrn.com/abstract_3601807 or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3601807>